

## سید حسن تقی زاده

برگرفته از وب لاگ دکتر محمد رضا بیگدلی  
<http://drmrbigdeli.blogfa.com/post-120.aspx>

---

سید حسن تقی زاده در روز ۲۹ رمضان سال ۱۲۹۵ ( ۵ مهر ۱۲۵۷ ) ( ۱ ) ، در خانه ای محقر در شهر تبریز چشم به جهان گشود . اجدادش در قریه ای به اسم وند ، از توابع قصبه ی اردویاد که در نزدیکی رود ارس واقع و اکنون جزو مستملکات قفقازی دولت شوروی است ، به دنیا آمده بودند . پدرش ، سید تقی ، در جوانی به تبریز آمده ، و پس از تحصیل در مدرسه ی حاج صفر علی و تلمذ در محضر علمای تبریز آمده به نجف رفته ، و در آنجا هفده سال نزد شیخ مرتضی انصاری تحصیل کرده ، و در حدود سال ۱۲۸۹ ق به تبریز بازگشته بود ؛ و در شهر خود بیست و چهار سال یا بیشتر حوزه ی درس و مقام مقتدایی روحانی داشته است .

تقی زاده در چهار سالگی شروع به تحصیل کرد ، و تا چهارده سالگی کتابهای فارسی معمول آن زمان را خواند و مقدمات عربی و بعد منطق و فقه و اصول را نزد علمای تبریز آموخت .

در بین سنین ۱۴ و ۱۸ سالگی ، به تدریج تحولی در رشته ی تحصیلات و افکار او پدید آمد . نخست شوق زیاد به علوم ریاضی قدیم پیدا کرد ، و بعد به علم کلام و حکمت و طب قدیم روی آورد ، و دور از چشم پدر در راه علوم خفیه و تصوف و عرفان قدم نهاد ؛ و در بعضی مسلک های دینی خلاف مشهور و متبع ، مانند طریقه ی شیخیه و غیره ، مطالعه و تحقیق کرد .

در نهم یا دهم شوال ۱۳۱۴ ، هنگامی که نوزده سال داشت ، پدرش درگذشت ؛ و او ، که از قیل و قال مدرسه دلش گرفته بود ، آزادانه به تحصیل علوم جدید پرداخت ؛ و طب و تشریح و غیره را ابتدا نزد میرزا نصرالله سیف الاطبا و بعد نزد دکتر محمد کرمانشاهی ، معروف به کفری که با حسنعلی خان امیر نظام گروسی به تبریز آمده بود ، آموخت ؛ و هم در زبان فرانسه به قدر کافی پیشرفت کرد . در این اوقات ، در مدرسه ی دارالفنون مظفری تحصیل می کرد و در آنجا درس فیزیک می داد .

در سال ۱۳۱۶ ق ، به همدستی چند نفر ، مدرسه ای به نام " تربیت " تأسیس کرد که به واسطه ی غوغای مردم عوام و متعصب آن روزگار دوام نکرد ؛ و نیز یک مغازه ی کتاب فروشی به همان نام بنا نهاد که چندی پایدار ماند و محل تجمع روشنفکران و آزادی خواهان تبریز در آن زمان بود و خدمات مهمی به فرهنگ تبریز انجام داد .

در حدود سال های ۱۸ / ۱۳۱۷ ق و بعد از آن ، در مدرسه ی امریکایی تبریز به فرا گرفتن زبان انگلیسی پرداخت و نزدیکی از معلمان امریکایی قدری از درجات عالییه ی علوم طبیعی را از روی کتاب های انگلیسی فرا گرفت .

در سال ۱۳۲۰ ق ، به همراهی میرزا محمد علی خان ( بعدها تربیت ) و میرزا سید حسین خان ( بعدها عدالت ) و میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام دفتر ( بعدها اعتصام الملک ) مجله ای علمی و ادبی ، به اسم گنجینه ی فنون ، تأسیس کرد که ماهی دو شماره منتشر می شد و یک سال دوام کرد .

تقی زاده ، پس از تعطیل مجله ی گنجینه ی فنون به سال ۱۳۲۲ ق ، سفری به قفقاز و استانبول و مصر و بیروت و دمشق کرد ؛ و در این سفر ، با جرجی زیدان ، ناشر مجله ی الهلال و صاحب تألیفات عدیده که قبلاً هم دورادور با او آشنایی داشت و نیز با شیخ محمد عبده ، مفتی معروف دیار مصر ، ملاقات کرد ؛ و در ماه شعبان سال ۱۳۲۳ ق ، با معلومات و اطلاعات بیشتری به تبریز بازگشت .

در این اوقات ، بعضی مجامع سرّی در تبریز به وجود آمده بود که اعلانات ژلاتینی ، به نام شبنامه پخش میکردند و مردم را به شورش و انقلاب دعوت می نمودند . اقدامات این افراد آزادی خواه ، که تقی زاده هم با آنها بود ، منجر به آن شد که روز ۲۹ رجب ۱۳۲۴ ق مردم تبریز بازارها را بسته به کنسول خانه ی انگلیس پناه بردند و ، در نتیجه ی شورش تبریز ، شاه به درخواست های آزادی خواهان گردن نهاد . انتخابات دوره ی اول از اواسط شعبان ۱۳۲۴ شروع و در ۱۵ رمضان پایان یافت ، و تقی زاده با ۵۱ رأی به نمایندگی مردم تبریز انتخاب گردید .

اما تقی زاده قبل از انقلاب تبریز ، در ۱۴ ماه رجب ، از راه قفقاز عازم تهران شده بود . وی ابتدا برای دیدن بعضی خویشاوندان خود به ده و نند ، از توابع اردوباد ، رفت ؛ و به واسطه ی نزاع ارمنیان و مسلمانان قفقاز و خطرناک بودن راهها ، شانزده روز در آن ده ماند ؛ و چون از توقف در آن ده به ستوه آمد ، عازم جلفا شد ؛ و در آنجا خبر انقلاب تبریز را شنید ، ولی نخواست به تبریز برگردد . پس به تفلیس و باکو رفت ؛ و از آنجا برای دیدن میرزا عبدالرحیم طالبوف ، تمور خان شوره سفر کرد ؛ و چهار روز در خانه ی طالبوف مهمان ماند ، و باز به باکو برگشت ؛ و از آنجا قصد تهران نمود ، و در سوم رمضان به رشت و در چهاردهم رمضان به تهران رسید ؛ و چندی بعد ، در ماه شوال ، به وسیله ی تلگراف از انتخاب خود به نمایندگی صنف بازرگانان تبریز مطلع شد .

می گوید :

در آن زمان ، تازه قدم به سی سالگی گذاشته بودم و به حساب قمری یکی دو ماه بود که سی ساله شده بودم . . . من قبل از انتخاب شدن ، یعنی قبل از اینکه رسماً خبر شوم که به وکالت مجلس انتخاب شده ام ، مرتب در جلسات علنی حاضر می شدم و در ردیف تماشاچیان می نشستم ؛ و بالاخره ، وقتی تلگراف انتخاب شدن خود را دریافت داشتم ، باز هم قصد داشتم در ردیف وکلا ننشسته و منتظر باشم تا اعتبارنامه ی خود را دریافت دارم . ولی رئیس مجلس ( صنیع الدوله ) اصرار کرد که منتظر آن کار نبوده فوراً وارد مجلس شوم . . .

اولین جلسه ای که به مجلس رفتم تا در ردیف وکلا بنشینم ، آقا سید محمود ، ناظم مجلس ، که هر روز قیافه ی مرا در ردیف تماشاچیان می دید ، با خنده سراغم آمد و مرا از نشستن در ردیف وکلا منع کرد . البته من آن روزها قیافه ی خیلی جوان ، حتی به جوانی پانزده شانزده ساله ها داشتم ؛ اما مرحوم صنیع الدوله با اعتراض به آقا سید محمود خطاب کرد و گفت مانع نشوید ؛ و بالاخره ، من در ردیف وکلا نشستم . .

در همان روز که وارد شدم ، مرحوم حاج سید محمد صراف ، نماینده ی مجلس ، به مرحوم حاج سید مرتضی مرتضوی به شوخی گفت : در تبریز شما آدم حسابی قحط بود که این پسر را به عنوان نماینده به مجلس فرستادند ؟ اما مرحوم حاج سید مرتضی گفت : صبر کنید تا همین آقا پسر به حرف بیاید ، آن وقت خواهید فهمید که تبریزی ها چه کسی را به نام نماینده ی خود به مجلس اول روانه کرده اند . (۲)

خدمت بزرگ تقی زاده در مجلس اول تلاش در تدوین و تصویب مواد مترقیانه ی " متمم قانون اساسی " بود .

تقی زاده ، پس از بمباران مجلس ، با جمعی به سفارت انگلیس پناهنده شد ؛ و از آنجا ، از راه ولادی قفقاز ، به پاریس رفت ؛ و یک ماه بیشتر در پاریس بود که نامه ای از پروفیسور ادوارد براون ، معلم زبان فارسی در کمبریج ، به او رسید که نوشته بود : شنیدم به پاریس آمده اید ، خیلی مشتاق دیدار شما هستم ؛ اگر ممکن می شد بیاید انگلستان خیلی خوشوقت می شدم ، و می توانستیم با هم کار کنیم ، و غرض این بود که در راه مشروطیت ایران کار کنیم . به این جهت مایل شد که سری به انگلستان بزند و اگر شغلی پیدا شود موقتاً در آنجا بماند ، پس با همراهی حاجی میرزا آقا فرشی ، از نمایندگان مجلس شورای ملی که کمی پیش از بمباران مجلس به اروپا رفته بود ، عازم لندن شد . بعد ، به دعوت او ، میرزا محمد علی خان تربیت هم به لندن آمد ؛ و هر دو در کمبریج در یک پانسیون ارزان بها منزل کردند و به کاری که براون برای آنان پیدا کرده بود ، یعنی فهرست کردن کتاب های فارسی و عربی کتابخانه ی کمبریج ، مشغول شدند (۳). تقی زاده در لندن با مجامع سیاسی آشنا شد؛ و در جراید انگلیسی مصاحبه هایی از او راجع به مشروطیت ایران منتشر گردید و از فجایع دربار قاجار و حمایت سفارت روس از اقدامات ارتجاعی شاه آنچه را که خواست اظهار کرد .

تقی زاده در چند ماه اول شورش های آذربایجان در لندن بود ؛ و در این مدت ، تنها یک بار به پاریس رفت ؛ اما همین که تبریز از دولتیان پیراسته گردید و در شهر ایمنی رُخ داد ، روز پنجشنبه ۱۴ ذیحجه ی سال ۱۳۲۶ خود را به تبریز رسانید ؛ و چون تهران به دست اردوی بختیاری و مجاهدان گیلانی فتح شد ، در دهم ماه رجب ۱۳۲۷ ( پیش از آنکه از تبریز به نمایندگی دوره ی دوم مجلس انتخاب شود ) ، از تبریز حرکت و در ۲۱ آن ماه به تهران آمد ، و عضو " هیئت مدیره " شد ، و از کسانی بود که در ترتیب کار شاه مخلوع و سازمان دادن حکومت نو دست داشت .

تقی زاده در دوره ی دوم مجلس از تهران ، بار دیگر از تبریز به نمایندگی انتخاب شد . وی وکالت تهران را رد کرد و وکالت تبریز را قبول نمود . در مجلس دوم ، اختلاف دو حزب اعتدالی و دمکرات روز به روز بالا گرفت ؛ و کار به جایی رسید که علمای نجف حکم تکفیر تقی زاده را ، که لیدر پارلمانی حزب دمکرات در مجلس بود ، صادر کردند و به اطلاع نایب السلطنه و مردم رسانند ؛ و در نتیجه ی این کشمکش های پیاپی که هر روز دامنه ی آن بالا می گرفت ، تقی زاده سه ماه از مجلس مرخصی خواست و در اواسط ماه رجب ۱۳۲۸ عازم آذربایجان گردید ؛ و پس از سه چهار ماه توقف ، از راه ارزروم رهسپار استانبول شد . وی در غرّه ی صفر سال ۱۳۲۹ به استانبول درآمد ، و مدتی کمتر از دو سال در استانبول بود ؛ و بعد به اروپا رفت و ، با اینکه به نمایندگی دوره ی سوم هم انتخاب شده بود ، به ایران نیامد ؛ و در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۱ ( آخر ماه مه ۱۹۱۳ ) ، به دعوت علیقلی خان کاشانی نبیل الدوله که شارژدافر ایران در امریکا بود ، عازم امریکا شد . وی ۱۹ ماه در امریکا ماند ؛ و در ۱۳ صفر ۱۳۳۳ ( روز آخر سال ۱۹۱۴ ) ، به دعوت و پول آلمان ها و با گذرنامه ی ساختگی از راه هلند به برلین آمد . (۴)

در آن هنگام ، جنگ جهانی اول آغاز شده و دولت آلمان برای ایجاد قیام های محلی در سرزمین هند کمیته ای از میهن پرستان هندی در برلین تشکیل داده بود . تقی زاده ، پس از ورود به آلمان ، کمیته ی ملیون و میهن پرستان ایرانی را - با همکاری میرزا محمد خان قزوینی ، کاظم زاده ی ابرانشهر ، سعد الله خان درویش ، جمال زاده ، نصرالله جهانگیر ، یورداد و گروهی دیگر از جوانان ایرانی - تشکیل داد ، و در کنار کمیته ی هندی به فعالیت سیاسی پرداخت ، و کسانی از ایرانیان را برای حفظ ارتباط دایم با حزب دمکرات ایران و انجام دادن تبلیغات سیاسی بر ضد روس و انگلیس به تهران و کرمانشاه و فارس و بعد به استانبول روانه داشت .

در ۱۸ ربیع الاول سال ۱۳۳۴ ( ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ ) ، که مقارن بود با نیمه ی اول از سال دوم جنگ جهانی ، روزنامه یا مجله ی کاوه را ، که نام خود را از قهرمان باستانی ایران کاوه ی آهنگر گرفته بود ، با همکاری جمعی از ایرانیان مقیم آلمان در شهر برلین ، انتشار داد .

کاوه در دو دوره منتشر شد . دوره ی اول ، یعنی دوره ی زمان جنگ ، در ۳۵ شماره ، از ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ تا ۱۸ ذی القعدة ی ۱۳۳۷ انتشار یافت ، و جنبه ی سیاسی داشت . اما دوره ی دوم ، یا دوره ی جدید پس از پایان جنگ ، از غره ی جمادی الاولی ۱۳۳۸ شروع و در ۲۴ شماره تا غره ی شعبان ۱۳۴۰ ادامه یافت ، و مندرجات آن بیشتر مقالات علمی و ادبی و تاریخی بود .

سرمقاله های کاوه را خود تقی زاده ، تحت عناوین " ملاحظات " یا " نکات و ملاحظات " ، می نوشت ، و همه ی آنها جنبه ی اجتماعی و فرهنگی داشت ؛ و نیز مقالاتی در دوره ی جدید ، با امضای مستعار " محصل " و با عنوان " مشاهیر شعرای ایران " می نوشت ، که نتیجه ی تحقیق و تتبع بسیار او در این رشته بود .

تقی زاده ، که شیفته ی مظاهر تمدن غرب شده بود ، در دوره ی جدید یا دوره ی ادبی کاوه نوشت :

امروز چیزی که به حدّ اعلا برای ایران لازم است و همه ی وطن دوستان ایران با تمام قوا ( تحت اللفظ ) باید در آن راه بکوشند و آن را بر هر چیز مقدم دارند ، سه چیز است که هرچه درباره ی شدت لزوم آنها مبالغه شود کمتر از حقیقت گفته شده :

نخست - قبول و ترویج تمدن اروپا بلا شرط و قید ، و تسلیم مطلق شدن به اروپا ، و اخذ آداب و عادات و رسوم و ترتیب و علوم و صنایع و زندگی و کلّ اوضاع فرهنگستان بدون هیچ استثنا ( جز از زبان ) ، و کنار گذاشتن هر نوع خودپسندی و ایرادات بی معنی که از معنی غلط وطن پرستی ناشی می شود و آن را " وطن پرستی کاذب " توان خواند .

دوم - اهتمام بلیغ در حفظ زبان و ادبیات فارسی و ترقی و توسعه و تعمیم آن .

سوم - نشر علوم فرهنگ و اقبال عمومی به تأسیس مدارس و تعمیم تعلیم . . . (۵)

و آن گاه عقیده ی خود را چنین خلاصه کرد :

ایران باید ظاهراً و باطناً، جسماً و روحاً فرنگی مآب شود و بس . (۶)

بعد از انقلاب اکتبر که عهدنامه ی مودت ۲۶ فوریه ی ۱۹۲۱ ایران و روس منعقد شد ، تقی زاده ، در روزنامه ، انتقادی بر آن نوشت و معایب آن را نشان داد ؛ و در نتیجه ، به دستور دولت ایران ، برای مذاکره و عقد عهدنامه ی تجارتي ، به مسکو رفت ؛ و پس از اجرای مأموریت خود ، به برلین بازگشت ؛ و از آن پس ، مدتی نیز در لندن به سر برد .

وی در دوره ی چهارم از تهران به وکالت مجلس انتخاب شد ؛ ولی نپذیرفت و به ایران نیامد . اما بار دیگر در دوره ی پنجم از تهران به نمایندگی انتخاب شد ، و در سال ۱۳۰۳ به ایران آمد و در جلسات مجلس شرکت کرد .

پس از تغییر سلطنت ، مدت کوتاهی در کابینه ی مستوفی الممالک وزیر خارجه شد ؛ ولی به زودی استعفا داد و به اروپا رفت . در انتخابات دوره ی ششم ، از تهران انتخاب شد ؛ و در فروردین ۱۳۰۶ به تهران بازگشت . چندی بعد به سمت ریاست غرفه ی ایران در نمایشگاه صد و پنجاه ساله ی استقلال ایالات متحده ی امریکا ، که در فیلادلفیا تشکیل یافته بود ، عازم آنجا شد ؛ و پس از پایان کار نمایشگاه ، چند ماه در امریکا سیاحت کرد ؛ و پس از بازگشت به ایران ، تا پایان دوره ی ششم (۲۲ مرداد ۱۳۰۷) ، در مجلس بود .

در زمستان سال ۱۳۰۷ ، به سمت والی ایالت خراسان به مشهد رفت ؛ ولی این مأموریت طول نکشید ، و در خرداد ۱۳۰۸ به مرکز احضار شد ، و در ۲۹ تیرماه برای مرتبه ی اول به سفارت ایران در لندن رفت ؛ ولی عمر این مأموریت نیز کوتاه بود ، و در بهار سال ۱۳۰۹ به ایران احضار شد ، و قریب چهارماه وزارت طرق را داشت ، و در بهمن آن سال به وزارت دارایی منصوب گردید .

تقی زاده در وزارت دارایی با نهایت شایستگی خدمت کرد . وی در زمان تصدی خود ، با اختیاراتی که تحصیل کرده بود ، به تشخیص خود و مشاورانش ارقام بودجه را تعدیل نمود ، و نظارت شدید وزارت دارایی را بر مصرف بودجه ی مملکت مستقر ساخت و جلو اسراف و تبذیر را گرفت ، و در وزارتخانه چند حسابدار برای نظارت در مخارج گماشت ، و بی غرضی و دقت و سختگیری او در امور مالی کشور حسن اثر بخشید .

در اواخر سال ۱۳۱۱ ، اختلاف دولت ایران با شرکت نفت به میان آمد ؛ و پس از مذاکرات زیاد ، مجلس لغو قرارداد داری را اعلام نمود . انتظار می رفت که برای بیست و هفت سال باقیمانده ی مدت ، قرارداد عادلانه ای بسته شود ؛ ولی پس از گفتگوهای زیاد ، قرارداد جدیدی با امضای تقی زاده ، که وزیر دارایی بود ، به مدت شصت سال با شرکت نفت انگلیس و ایران منعقد گردید ، و تقی زاده آن را در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ به مجلس تقدیم کرد ، و در هفتم خرداد به تصویب رسانید .

این قرارداد از هر حیث به زیان ملت ایران بود ؛ و تقی زاده بعدها ، در جلسه ی هفتم بهمن ۱۳۲۷ ، صریحاً به این مطلب اعتراف کرد و گفت :

در آن وقت مذاکرات تمديد را پيش آوردند و من خیلی ملول شدم ، ولی چاره نبود . من در این کار هیچ گونه دخالتی نداشته ام ، جز آنکه امضای من پای آن ورقه است . من شخصاً هیچ وقت راضی به تمديد نبودم و " دیگران " هم نبودند ؛ و اگر قصوری یا اشتباهی شده ، تقصیر " آلت فعل " نبوده ؛ تاریخ آینده فرق بین اختیار و اضطرار خواهد

گذاشت ؛ با اقرار به آنکه در صورت امکان ، ولو با فدای نفس هم باشد، انسان باید از این تقصیر غیر اختیاری دوری نماید . (۷)

تقی زاده تا شهریور ۱۳۱۲ ، که دولت مخابرات السلطنه ی هدایت از کار برکنار شد ، به سمت وزارت دارایی برقرار بود . از آن پس ، در پاییز همان سال ، مأمور سفارت پاریس شد ؛ و دو سال بعد ، بر حسب دعوت انجمن پادشاهی هنرهای زیبا ، برای ایراد خطابه ای در آن انجمن راجع به اوضاع ایران به لندن رفت . در اواخر تابستان ، خدمت او در فرانسه خاتمه یافت و به برلین رفت ؛ و قریب پانزده ماه در آنجا به مطالعه و تألیف گذراند و کتابی در تاریخ عرب و عربستان تصنیف کرد . در پاییز سال ۱۳۱۴ ، به سمت نماینده ی ایران ، در مجمع بین المللی خاورشناسان در رم شرکت کرد ؛ و چند ماهی پس از دعوت به برلین ، بر حسب دعوت مدرسه ی مطالعات شرقی لندن ، در دی ماه ۱۳۱۵ ، برای تدریس زبان و ادبیات فارسی ، به انگلستان رفت ؛ و شش سال در آن مدرسه مشغول کار بود .

پس از حوادث سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ و اشغال ایران از طرف نیروی متفقین ، در حدود آبان و آذرماه آن سال ، بار دوم به سفارت ایران در لندن منصوب شد ؛ و در مدت اقامت لندن ، فعالیت سیاسی زیادی داشت که مهمترین آنها کشمکش در شورای امنیت با دولت شوروی بر سر تجاوز به حقوق ایران در آذربایجان بود .

پس از حل قضایای آذربایجان ، مردم آن سامان او را به پاس خدماتی که در سازمان ملل به آذربایجان و ایران کرده بود ، در تابستان ۱۳۲۶ ش به نمایندگی دوره ی پانزدهم مجلس شورای ملی انتخاب نمودند ؛ و او از سفارت لندن استعفا داد ، و در مهرماه آن سال به ایران آمد و در جلسات مجلس شرکت کرد .

در مهرماه سال ۱۳۲۹ که مجلس سنا تأسیس شد ، تقی زاده به عضویت سنا و از ابتدای امر به ریاست آن انتخاب شد ؛ و در دوره ی بعدی مجلس سنا ( اسفند ۱۳۳۲ ) ، باز عضویت و ریاست داشت ؛ ولی به واسطه ی ضعف پیری از ریاست استعفا داد ؛ و پس از چندی ، به دعوت دانشگاه کلمبیا در نیویورک به آمریکا رفت ؛ و قریب هفت ماه در آنجا بود ؛ و در این مدت ، در ایالات مختلفه ی آمریکا به گردش پرداخت ، و از مراکز علمی دیدن کرد ، و خطابه هایی راجع به تاریخ یک قرن و نیم اخیر ایران و در باب مانی و مذهب او ایراد کرد که مورد توجه خاورشناسان واقع شد .

تقی زاده ، بعد از برگشتن به ایران ، در عضویت مجلس سنا و شورای عالی فرهنگ ایران و غیره بود ؛ و در آن میان ، گاهی خطابه هایی ایراد می کرد ، که از آن جمله سه خطابه درز مستان سال ۱۳۳۷ و دو خطابه در سال ۱۳۳۹ در انجمن مهرگان بود .

تقی زاده در چند سال آخر زندگی خود ، به علت درد پا ، قادر به راه رفتن نبود و ناچار با صندلی گردان حرکت می کرد ؛ تا آنکه روز چهارشنبه هشتم بهمن ماه ۱۳۴۸ ، مطابق ذیقعد ۱۳۸۹ ، در تهران در گذشت .

سید حسن تقی زاده متجاوز از نود و چهار سال قمری ( نود و یک سال شمسی ) عمر کرد ، و بیش از هفتاد سال آن را به مبارزه و کار و کوشش گذراند .

مردی بود آزاداندیش و آزادی خواه و دمکرات منش که به رفاه و آسایش افراد طبقات محروم و زحمت کش علاقه ی زیاد داشت . وی در خلال نوشته ها و سخنرانی های خود - از جمله در مقدمه ای که بر کتاب خاک و آدم ، تألیف جمال زاده ، نوشته - اصول عقایدش را در این باره آشکار ساخته است .

تقی زاده مردی فصیح و شیرین زبان نبود ؛ حتی زبان آذربایجانی را ، که زبان مادریش بود ، خوب صحبت نمی کرد . آنچه به کلام او قوت می بخشید و جاذبه می داد وسعت اطلاعات و صمیمیت منطقیش بود . (۸)

تقی زاده در ترویج ایران شناسی و تشویق ایران شناسان سعی بلیغ داشت ، و خود یکی از ایران شناسان و کتاب شناسان مبرز بود . وی در چند کنگره ی خاورشناسی شرکت کرده بود و ریاست کنگره ی ایران شناسی تهران را به عهده داشت .

در نویسندگی سبک مخصوص داشت . نثر او معجونی بود از دقت تا حد وسواس و پیچیدگی سیاست و قدرت دانش . عبارات و جملاتش غالباً مطول و معقد بود . از به کار بردن تعبیرات و اصطلاحات نامأنوس و لغاتی که در طول مدت حیات سیاسی و ادبی خود به آنها عادت کرده بود پروا نداشت . (۹) کلام او پر بود از امثله و شواهد زیاد و گاهی آمیخته با نیمرنگی از طنز خفیف و پر معنی .

از آثار مهم او گاه شماری در ایران ، مانی و دین او ، تحقیق در احوال و آثار فردوسی و ناصر خسرو ، رساله ی تحقیق در احوال کنونی ایران ، توجه بیشتر به ولایات ، مقدمه ی تعلیم عمومی ، آینده ی روشن ، لزوم حفظ زبان فصیح فارسی ، جنبش ملی ادبی ، اخذ تمدن خارجی و خطابه هایی است در تاریخ عرب در اوایل ظهور اسلام که بعداً به صورت سه جزوه انتشار یافته است .

علاوه بر کتب و رسالات مذکور ، مقالات ممتع بی شماری از تقی زاده در مقدمه ی تألیفات دیگران و در روزنامه ی کاوه و مجلات آینده ، تقدم ، تعلیم و تربیت ، ارمغان ، یغما ، مهر ، اطلاعات ماهانه ، سخن ، مجله ی دانشکده ی ادبیات تبریز و غیره چاپ شده است ؛ و نیز مقالاتی به زبان های خارجی نوشته که احمد آرام بعضی از آنها را به فارسی ترجمه کرده است .

مینورسکی ، خاورشناس روس ، درباره ی او گفته است :

سالها خواهد گذشت و خاک تبریز فرزندی مانند تقی زاده نخواهد پرورد . (۱۰)

## آثار

رساله ی تحقیق احوال کنونی ایران یا محاکمات تاریخی ، قاهره ، ۱۳۳۳ ق .

مقدمه ی تعلیم عمومی یا یکی از سر فصلهای تمدن ، تهران ، ۱۳۰۷ ش .

از پرویز تا چنگیز ، تهران ، ۱۳۰۹ .

- گاه شماری در ایران قدیم ، تهران ، ۱۳۱۶ .
- تصحیح تحفه الملوک ( از متون قدیمه ی مجهول المؤلف ) . تهران ، ۱۳۱۷ .
- لزوم حفظ زبان فصیح فارسی ، تهران ، ۱۳۲۶ .
- تاریخ عربستان و قوم عرب در اوان ظهور اسلام و قبل از آن ، در ۳ جزوه ، تهران ، ۱۳۳۰ .
- " خواص فطری و مَلّی " ( خطابه ای که در سال ۱۳۳۳ ق در مجمع محصلین ایرانی پاریس ایراد کرده ) ، راهنمای کتاب ، سال نوزدهم ، شماره های ۷ - ۱۰ ، مهر - دی ۱۳۳۵ .
- مانی و دین او ، تهران ، ۱۳۳۵ .
- خطابه مشتمل بر شمه ای از تاریخ اوایل انقلاب و مشروطیت ایران ، تهران ، ۱۳۳۸ .
- " تاریخ انقلاب ایران " ( تقریرات ) ، مجله ی یغما ، سال چهاردهم ، شماره های ۲ - ۸ ، ۱۳۴۰ .
- اخذ تمدن خارجی ، تهران ، ۱۳۴۰ .
- بیست مقاله ی تقی زاده ، ترجمه ی احمد آرام و کیکاوس جهاننداری ، تهران ، ۱۳۴۰ .
- روزنامه ی کاوه ( برلن ) ، ۱۹۲۲ - ۱۹۱۷ م .
- مقالات متعدد به زبان های آلمانی و انگلیسی درباره ی تاریخ و موضوعات گوناگون در مجلات علمی .

## کتابنامه

- احرار ، احمد : " چگونه وارد عالم سیاست شدند ؟ " ، اطلاعات ماهانه ، سال ۸ ، شماره ی ۹۵ ، بهمن ماه ۱۳۳۴ .
- افشار ، ایرج : " مرگ تقی زاده نه کاری است خُرد " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ .
- : " آخرین دفاع تقی زاده " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ . امیر خیری ، اسماعیل : قیام آذربایجان و ستارخان ، تبریز ، ۱۳۳۹ .
- تقی زاده ، سید حسن : " شرح حال قلم خود او " ، راهنمای کتاب ، سال ۴ ، شماره ی ۴ ، تیرماه ۱۳۴۰ .
- : " سرگذشت سید حسن تقی زاده " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ .



- : " گوشه هایی از زندگی تقی زاده " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۵ - ۷ ، مرداد - مهر ۱۳۴۹ .
- : " تقی زاده و پروفیسور براون " ( از یادداشت های تقی زاده ) ، یغما ، سال ۲۶ ، شماره ی ۴ ، تیرماه ۱۳۵۲ .
- جمال زاده ، سید محمد علی : " سید حسن تقی زاده " ، یغما ، سال ۱۹ ، شماره ی ۱۱ ، بهمن ماه ۱۳۴۵
- : " خطابه ی آقای سید حسن تقی زاده " ، راهنمای کتاب ، سال دوم ، شماره ی ۴ ، دی ماه ۱۳۳۸ .
- : " تقی زاده به فلم جمال زاده " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ .
- : " به مناسبت سومین سالگرد وفات تقی زاده " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۴ ، شماره ی ۹ - ۱۲ ، آذر - اسفند ۱۳۵۰ .
- شفق ، دکتر صادق رضا زاده : " گفتار در مجلس سنا " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ .
- شیخ الاسلامی ، جواد : " تقی زاده ای که من شناختم " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ .
- صدر هاشمی ، محمد : تاریخ جراید و مجلات ایران ، جلد چهارم ، تهران ، ۱۳۳۱ .
- صفایی ، ابراهیم : تقی زاده ( جزو سری رهبران مشروطه ) ، تهران ، شهریور ۱۳۴۵ .
- عرفان ، محمود : " مصاحبه ی خبرنگاری با محمود عرفان " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ .
- کسر وی ، سید احمد : تاریخ مشروطه ی ایران ، چاپ چهارم ، تهران ، ۱۳۳۴ .
- مجتهدی ، مهدی : " خاطرات مهدی مجتهدی در روزنامه ی سحر " ، راهنمای کتاب ، سال سیزدهم ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ .
- مینوی ، مجتبی : " تقی زاده " ، نقد حال ، تهران ، دی ماه ۱۳۵۱ .
- : " یاد یار در گذشته " ، نقد حال ، تهران ، دی ماه ۱۳۵۱ .
- : " یاد یار گذشته " ، راهنمای کتاب ، سال سیزدهم ، شماره ی ۱۰ - ۱۲ ، دی - اسفند ۱۳۴۹ .
- ناطق ، ناصح : " سید حسن تقی زاده " ، راهنمای کتاب ، سال سیزدهم ، شماره ی ۵ - ۷ ، مرداد - مهر ۱۳۴۹ .

- : " پای صحبت سیاستمدار کهنسال سید حسن تقی زاده " ، مجله ی روشنفکر ، پنجشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۴۴ .
- : " سید حسن تقی زاده سیاستمدار کهنسال حرف می زند " ، مجله ی روشنفکر ، پنجشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۴۴ .
- : " گفت و گوی تقی زاده و محمد علی شاه در سفارت روس " ، مجله ی روشنفکر ، پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۴ .
- : " یادنامه تقی زاده ، ( مجموعه ی ۳۰ مقاله و شعر ) به اهتمام حبیب یغمایی ، انجمن آثار ملی ، ۱۳۴۹ . (۱).
- ۱- یحیی آریان پور ، از صبا تا نیما ، " مجلد سوم " .

---

### پانویشت :

- ۱ - ۲۷ سپتامبر ۱۸۷۸ م .
- ۲ - از مقاله ی " تقی زاده پس از بیست سال راز مهمی را فاش کرد " ، اطلاعات ، شماره ی ۱۱۹۹۲ ، پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۴۵ .
- ۳ - براون بعدها ، در خطابه ای که در پاریس خوانده بود ، اظهار داشت که فلانی که به اینجا آمد وسیله ی زندگی نداشت ؛ و چون هرکاری کردم که کمکی به او بکنم قبول نکرد ، عاقبت حيله ای به کار بردم و به اسم کتابخانه او را مشغول کردم ، در صورتی که پولی از خودم می دادم و کتابخانه از آن خبری نداشت .
- ۴ - " یک روز ، نامه ای از کنسول آلمان دریافت کردم و خواهش کرده بود نزد او بروم . در ملاقات گفت که ممکن است که شما به آلمان بروید و وسایل آن را فراهم خواهیم کرد . علتش را ذکر کرد که ظاهراً ما محتاج اشخاص بانفوذ و با فصاحتی هستیم که با اسرای مسلمان و هندو بتواند صحبت کند و در آنها تبلیغ ضد متفقین کند و برای آلمان تبلیغ نماید . مخارج سفر را هم گفت ما می دهیم . وضع من سخت از نظر مالی خراب بود و گفتم عایدی هم در ماه لازم دارم . قرار شد ۲۰۰ دلار در ماه به من بدهند . بعدها در آلمان فهمیدم که قضیه ی کمیته ی انقلابیون هند در بین بوده است . ( " آخرین دفاع تقی زاده " ، مجله ی راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره های ۴/۳ ) .
- ۵ ، ۶ - کاوه ، دوره ی جدید ، شماره ی ۱ ، غرّه ی جمادی الاولی ۱۳۲۸ . تقی زاده بعدها ، ضمن سخنرانی خود در باشگاه مهرگان به تاریخ شب پنجشنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۳۹ ، از این عقیده عدول کرد و آن را خطا و افراط شمرد .
- ۷ - صورت جلسات ۷ و ۹ بهمن ماه ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی - کلمه ی " آلت فعل " که تقی زاده به زبان آورد ، در آن هنگام و بعدها به عنوان یک شوخی نیش دار نقل مجالس و محافل مدعیان بود .
- ۸ - خاطرات مهدی مجتهدی ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۴/۳ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ .

۹ - ایرج افشار ، " مرگ تقی زاده نه کاری است خُرد " ، راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹

۱۰ - مهدی مجتهدی ، مأخذ یاد شده . راهنمای کتاب ، سال ۱۳ ، شماره ی ۳ / ۴ ، خرداد - تیر ۱۳۴۹ .